

اما بعدیا همه با عصبانیت بود و نفرت و خشم تهدید به اینکه میاد خونمون تهدید به اینکه کاری میکنه روزی هزار بار آرزوی مردن کنم

خنده دار بود من همین الانشم روزی هزار بار آرزوی مردن میکردم  
بقیه پیام رو نخوندم

شمارشو گرفتم و گوشی رو بی حال روی گوشم گذاشتم وقتی صدای فریادش گوشمو پر کرد بی توجه به خشمش بی توجه به عصبانیتش فقط گفتم

چیکار کنم که اون فیلما رو پاک کنی؟

فریاد و خشمش انگار به یکباره فروکش کرد که صداس ارومتر شد و گفت

\_ بیا پیشم همین الان راجع بهش حرف میزنیم

رفتن پیش اون با حالی که من داشتم؟

امروز روز چهارمی بود که لب به غذا نزده بودم حتی توان ایستادن نداشتم چطور باید میرفتم؟

اما پای آبرو وسط بود پای اون فیلم وسط بود

تماس قطع کردم دستمو به تاج تخت گرفتم و سعی کردم بلند بشم سرم گیج میرفت  
توانی برام نمونه بود

گیریم الان لباس پوشیدم از این اتاق بیرون رفتم چی می‌خواستم به پدر و مادرم بگم  
که با این حال و روزم کدوم قبرستونی دارم میرم



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

**جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید**

( برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید )

## عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



## عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

